مقاله: (تجسم بن بست تاریخی شبه مدرنیته ایران) درباره مینی مالیسم

جان بارت

پارسی نژاد، کامران

بسیاری از شخصیتهای برجسته ادبی جهان، همچون والتر گروپیوس‏1،هنری گادیر2،لیزلو مولی‏ -ناگی‏3و آلبرتو گیاکومتی‏4به اصل«هرچه کمتر بهتر»معتقد هستند،این عبارت ارزشمند اولین بار توسط روبرت بروئینگ‏5مطرح گشت.از آن پس‏ این عبارت بسیار مورد توجه پیروان مکتب‏ مینی‏مالیسم قرار گرفت.آنان بر این باورند که فرم‏ و قالب دنباله‏رو شیوه و روش است.از سوی دیگر، آنان بر این مسأله تأکید می‏ورزند که نویسنده‏ می‏بایست در استفاده از واژه‏ها خست داشته باشد و از حداقل واژه‏ها استفاده کند؛حتی اگر این خست‏ باعث از میان رفتن برخی مضامین ارزشمند چون‏ تکامل،دقت و اعتبار شود.با این حال برای هنرمند برجسته مینی‏مال،دست یازیدن به تمامی اهداف‏ کار ساده‏ای است.او با قدرت و توانایی بالقوه خود می‏تواند درکمال ایجاز به مقاصدش دست یابد. این منظر با آموزه‏ای که گذشتگان به آن معتقد بودند،مبنی بر اینکه همیشه تلاش هنرمند به ثمر نمی‏رسد در تضاد است.

باید به این مسأله توجه داشت که مینی‏مالیسم‏ بیشتر به یک جریان و نهضت ادبی شباهت دارد که تحت تأثیر سایر جریانهای ادبی مطرح،خاصه‏ در این میان نهضتهای ادبی شمال قاره آمریکا بسیار فعال بوده‏اند.داستانهای کوتاهی که از این‏ منطقه خلق شده‏اند،دارای خصیصه‏ها و ویژگیهای‏ زیر است:

1.ایجاز

2.رئالیست و واقع‏بینانه بودن

3.غیر مستقیم طرح کردن مسائل

4.حس‏برانگیزی

5.برون‏گرایی.

در طی پنج الی ده سال گذشته،نویسندگان‏ برجسته‏ای چون ریموند کارور6،فردریک بارتلم‏7، آن بتی‏8،بابی آن‏میلسون‏9،توبیاس وولف‏10،مری‏ رابینسون‏11و جیمز رابینسون‏12،در عرصه ادبیات‏ مینی‏مالیستی درخشیده‏اند.

آنان با عناوین و اسامی خاصی چون«پست ویتنام»، «رژیم پپسی مینی‏مالیستی»،«ک،مارت رئالیسم»، «پست مدرنیسم‏های آبی»و«نئوکولارهای‏ همینگوییسم»به فعالیت ادبی خود پرداختند. باید اذعان داشت که آثار نویسندگان فوق به همان‏ اندازه که بسیار به هم شباهت دارند با هم متمایز هستند.در حقیقت آنان باعث و بانی جریان‏ داستان‏نویسی نوین آمریکایی از نوع کوتاهش‏ هستند.

یک نظریه قدیمی وجود دارد که هم جالب است و هم نیست.طبق این نظریه ابتدا واژگان پدید آمدند و پس از آن انجیل خلق شد.در زمانی که چنین‏ ایده‏ای مطرح گشته،هنوز رمان‏های دوره ملکه‏ ویکتوریا خلق نشده بودند.پیشگویان معبد دلف‏ یونان‏13هیچ‏گاه نگفتند که قدرت درک و شعور انسان احتمالا پیش‏نیازی برای درک جهان هستی‏ و رفتار انسان‏هاست.پیشگویان فقط بر این نکته‏ اشاره داشتند که باید«تمامی پدیده‏ها را شناخت». مینی‏مالیست‏ها چنین دیدگاهی را از پیشگویان‏ معبد دلف به عاریت گرفته‏اند.تمامی یافته‏ها و تجربیات بشر در طول زمان حیاتش،در ضرب‏المثل‏ها،پندهای اخلاقی،جملات قصار، لطیفه‏ها،حکایات،تکیه کلام‏ها و کنایات مطرح‏ شده است و تمامی به یکدیگر شباهت دارند. تمامی تجرابیاتی که بشر آموخته،در فرهنگ شفاهی‏ و خرده فرهنگ ملل وجود دارد.برای کسب چنین‏ تجربیاتی حافظه و قدرت استنباط زیادی لازم‏ نیست.در حقیقت بسیاری از چنین تجربیاتی که در اثر واکنشهای شخصی نسبت به پدیده‏های مختلف‏ ثبت شده،توسط افراد عامی صورت پذیرفته است. شعارهای اصلی مینی‏مالیست‏ها عبارتند از:«اختصار، روح اصلی قوه تعقل و استعداد است.» «سکوت طلاست.»

مارک تواین معتقد بود:«از اضافات پرهیز کنید.» در میان متون ادبی کهن که بسیار حجیم بودند، آثاری موجز هم به چشم می‏خورد.این گونه افسانه‏ها و حماسه‏ها در تقابل با سایر آثار چونان روزنه کوچک‏ و نورانی هستند.به طور مثال بر خلاف اشعار حماسی‏ «ایلیاد و ادیسه»،افسانه «رامایانا»14وجود دارد که‏ به زبان سانسکریت نوشته شده،و در کمال ایجاز خلق شده است.افسانه رامایانا در عین حال که‏ موجز است،می‏تواند تمامی افسانه‏ها و اشعار حماسی حجیم مقابله کند.بعضی اشعار این مجموعه‏ دارای یک واژه پر مفهوم است.خالق این اثر توانسته‏ با استفاده از چند واژه،شعری در قد و قواره یک‏ شعر کامل خلق کند.

بهترین و زیباترین شعری که در این اثر وجود دارد، از یک واژه تشکیل شده است:«مامی هاالا پیناتاپی»15

مفهوم این واژه عبارت است از:به چشمان یکدیگر می‏نگرند،به این امید که دیگری پا پیش نهد و کاری را که هر دو قصد انجامش را دارند و هیچ وقت‏ انجام نخواهند داد،انجام دهد.

ادگار آلن‏پو،در سال 1842 با بررسی مجموعه آثار نویسنده مشهور،هاثورن،16توانست نوع ادبی‏ داستان کوتاه را خلق کند.در مجموعه آثاری از این‏ دست،نویسنده تمایل زیادی به توصیف تمامی‏ پدیده‏ها و حوادث ندارد.او از شرح نکات روشن و تشریح و تحلیل هر پدیده پرهیز می‏کند. پو در اواخر قرن 19 توانست قوانین منسجم و مدونی‏ در این باره وضع کند.او در این راستا توانست‏ شاهکارهای ادبی‏ای را که تمامی موجز بودند برگزیند.از جمله آثاری که مورد توجه او قرار گرفتند می‏توان به آثار گی دوموپاسان و آنتوان چخوف‏ اشاره کرد.

هنری جیمز در سال 1908 در ابتدای مقدمه یک‏ از رمانهایش آورده است:«سعی کنید چیزی را توصیف نکنید بلکه آن را نشان دهید.»او معتقد است که حتی یک واژه غیرضروری نباید در متن‏ وجود داشته باشد.

ارنست همینگوی جوان نیز،در اوایل سال 1920، به شرح نظریه‏های جدید خود پرداخت.او می‏گفت‏ که نویسنده می‏تواند هر چیزی را که فکر می‏کند قابل حذف است،حذف کند.طبق نظر او،بخشهای‏ حذف شده داستانها، قسمتهای تکمیلی‏ هستند که خواننده با مطالعه آنها احساس کند به نکاتی که قادر به درک آن نبوده‏ دست یافته است.

طراحان و نقشه‏کشان ساختمان بر این باورند که‏ قالب و اسکلت ساختمانها می‏بایست با توجه به‏ احتیاج مردم ساخته شود.آنان در هنگام ساختن‏ بناهای مدرن و طراحی نیز صحت دارد.دیدگاه‏ مینی‏مالیست‏ها و...هنرمندان مذکور بسیار به هم‏ شباهت دارد.گاه میان کلام آنها وجوه تمایز دیده‏ می‏شود،اما همه بر یک اصل متفق‏القول هستند که«برای دوری جستن از شرح نکات غیرضروری‏ که ظاهرا برای رفع احتیاجات غیرضروری است، باید تلاش کرد.»

در نقاشی مدرن هنر،دوری جستن از زواید،توسط پست امپرسیونیست‏ها عملی شد.آنان پس از ارائه‏ مکاتب کوییسم و مینی‏مالیسم افراطی آثار خود را خلق کردند؛آثاری همچون اثر سفید روی سفید که‏ به کاسمیر مالویچ تعلق دارد.از این رو در قرن‏ بیستم مینی‏مالیست‏ها در وادی ادبیات داستانی از طریق تئوری‏های جدید را مطرح سازند و نوعی‏ داستان کوتاه را پدید آورند.

در این زمینه داستانهای کوتاه لوئیس بورخس و آثار ساموئل بکت،مخصوصا نمایشنامه‏های او،با موفقیت رو به رو شدند.در یکی از نمایشنامه‏های‏ بکت به طور مثال پرده بالا می‏رود.صحنه‏ای‏ نیمه تاریک ظاهر می‏شود.چیزی به جز آشغال‏ روی صحنه نیست.صدای ضبط شده آدمی که‏ گریه می‏کند به گوش می‏رسد.پس از آن صدای‏ بازدم و نفس کشیدن؛که با بازی نور همراه است. سپس دوباره صدای گریه.بیست و پنج ثانیه بعد، پرده پایین می‏آید.

البته چنین شیوه‏ای،در نمایشنامه‏ها قابل اجرا هستند و در شیوه‏های سنتی ادبیات مینی‏مالیستی جایگاهی‏ ندارد.بااین‏حال،برخی از نویسندگان چون دونالد بارتلم،دنباله‏رو چنین طرحی هستند.در رمان‏ «سفید برفی»یکی از شخصیتهای داستانی می‏گوید: «تنها شکل و قالبی که می‏توانم به آن اعتماد کنم، یک قطعه کوچک است.»

پانوشت‏ها: (1). Walter Gropius

(2). Henri Guadier

(3). Laszlo Mooly-Nagy

(4). Alberto Giacometti

(5). Robert Browing

(6). Raymond carrer

(7). Frederick Barthelme

(9). Bobbie Annmason

(10). Tobias Wolff

(11). Mary Robison

(12). James Robison

(13). The Oracle at Delphi

(14). Ramayana

(15). Mamihala Pinatapei

(16). Haethorne